

بازارهای جهانی شده و چالشهای

فراروی اوپک

مرتضی بهروزی فر^۱

مقدمه

جهانی شدن را می توان تعاملی فزاینده بین جوامع مختلف انسانی و همبستگی بیشتر آنان در تمامی ابعاد مهم فعالیت هایشان (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی) دانست. جهانی سازی، موضوع تازه ای نیست؛ این پدیده از قرن ها پیش در جریان بوده، اما آنچه در این دوره متفاوت است، تأثیر عظیمی است که فن آوری های جدید اطلاعاتی بر یکپارچگی بازار، بهره وری و ساختار تولید و به طور ضمنی بر توسعه سرمایه بشری می گذارد. فن آوری های جدید با گسترش دانش و کاهش هزینه های نقل و انتقال، بهره وری و رشد را به ارمغان آورده اند. برای مثال، دسترسی به اطلاعات تجاری قابل اعتماد و به موقع، باعث می شود شرکت ها از نیازهای مشتریانشان بهتر مطلع شوند، فهرست موجودی کوچک تری داشته باشند، دارایی ها را به گونه ای کارآمدتر به امور مورد نیاز اختصاص دهند و بهره وری نیروی کار را افزایش دهند.

۱. کارشناس ارشد اقتصاد انرژی (مؤسسه مطالعات بین المللی انرژی).

همچنین افزایش دسترسی به اطلاعات باعث می‌شود از موانع ورود سرمایه کاسته شود و رقابت افزایش یابد. با وجودی که «شکاف دیجیتالی» بین کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه کاملاً آشکار است، اما گستردگی دستیابی به فن‌آوری‌های جدید و بهبود دسترسی به بازارها از طریق اینترنت، فرصتی برای کشورهای فقیر فراهم می‌سازد تا با سرعت بیشتری به عصر جدید گام بگذارند.

تفاوت دیگری که در روند کنونی جهانی‌سازی وجود دارد، سرعت آهنگ آن است. از جنگ جهانی دوم بدین سو، تجارت، نیروی پیشران عمده‌ای در رشد اقتصادی بوده و روند گسترش تجارت جهانی به سرعتی دوبرابر رشد تولید جهان رسیده است. این امر با بین‌المللی‌تر شدن امر تولید، گسترش تجارت خدمات، ظهور کشورهای در حال توسعه به عنوان تولیدکننده و صادرکننده محصولات صنعتی و رشد انفجاری سرمایه‌های بین‌المللی همراه بوده است. جهان از این گشایش، سود فراوانی برده است. درآمد سرانه واقعی جهانی از اواسط دهه ۱۹۶۰ تا کنون دوبرابر شده و رشد درآمد سرانه در کشورهای در حال توسعه، به طور متوسط، به اندازه رشد کشورهای صنعتی بوده است.^۱

امروزه سیاست‌گذاران و اقتصاددانان بر این نکته اتفاق نظر دارند که برای دستیابی به رشد اقتصادی پایدار - که لازمه ارتقاء استانداردهای زندگی است - به کارگیری راهبردهایی مبتنی بر تجارت خارجی ضروری است. در حقیقت، مشکل بتوان کشوری را یافت که بدون گسترش قابل ملاحظه تجارت و روابط سرمایه‌گذاری خود با کشورهای دیگر، توانسته باشد استانداردهای زندگی مردمش را به گونه‌ای پایدار افزایش دهد.

۱. جهانی شدن اقتصاد

سابقه جهان‌گرایی اقتصاد سرمایه‌داری، به گذشته‌ای بیش از یک قرن بازمی‌گردد. هنگامی که کشورهای مسلط بر بخشی از اقتصاد اروپای آن زمان، رویکرد تجارت بین‌الملل را پیش

۱. Eduardo Aninat (سایت اینترنتی)، «چین و جهانی‌سازی»، ژانویه ۲۰۰۱، ترجمان اقتصادی، سال سوم،

گرفتند و با استفاده از سرمایه و تشکیلات سازمانی خود در بیرون از مرزهای کشور مادر، با سرمایه‌گذاری‌های اندک، بهره‌برداری از منابع و عوامل تولید ارزان‌قیمت کشورهای عقب‌مانده از قافله صنعتی شدن را آغاز نمودند، قدم‌های اولیه جهانی شدن اقتصاد برداشته شد. نام‌های آشنایی در اقتصاد بیش از یک قرن گذشته در تجارت جهانی، مانند شرکت هلند شرقی و یا شرکت انگلیسی هند شرقی، اولین اقدامات موفق دنیای سرمایه‌داری در تحمیل سیاست‌های اقتصادی خود به کشورهای دیگر (اگرچه در آن زمان به صورت محدود) بوده است.

پس از ظهور نفت در نیمه دوم قرن نوزدهم به عنوان کالای مورد نیاز کشورهای در حال صنعتی شدن، بر مجموعه مبادلات تجاری جهان به صورت متناهی افزوده شد و صنعت نفت که نقطه آغاز آن، کشور آمریکا بود، قدم‌های بلندی پس از یک دوره کوتاه (حتی قبل از پایان قرن نوزدهم) برای بین‌المللی کردن خود برداشت. از نام‌های آشنا که توانستند طی دوره‌ای کوتاه در صحنه بین‌الملل در بخش انرژی، نقش تعیین‌کننده‌ای در تولید، پالایش، مبادلات تجاری و حمل و نقل نفت خام ایفا نمایند، می‌توان از شرکت نفت آمریکایی «استاندارد اویل» و شرکت هلندی «شل» نام برد. اما پس از شروع قرن بیستم و رخ دادن تحولات عظیم، چنان مشکلاتی بر سر راه بین‌المللی شدن تجارت در سطح جهانی ایجاد شد که بسیاری از شرکت‌های بزرگی که زمینه‌های اولیه بین‌المللی شدن خود را فراهم نموده بودند، یا مجبور به ترک بازارهای بین‌المللی شدند و یا در رقابت با برخی از شرکت‌های دیگر، کاملاً ورشکسته گردیدند و از صحنه رقابت‌های بین‌المللی به خارج رانده شدند. به همین دلیل، روند رشد سریع تفکر سرمایه‌داری (که در ابتدای قرن بیستم احتمال جهان‌گرایی سرمایه‌داری در کشور نو صنعتی شده آمریکا با سرعتی حتی بیش از نیمه دوم قرن نوزدهم وجود داشت) با مشکلاتی مواجه شد که به صورت خلاصه به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم. شایان توجه است که تحلیل آنچه به جهانی شدن اقتصاد موصوف شده، پدیده‌ای چند انضباطی است و در نتیجه، استفاده از علومی نظیر تاریخ، سیاست،

جامعه‌شناسی و اقتصاد مورد نیاز است تا این پدیده که بالاخص در دو دهه آخر قرن بیستم روند رشد سریعی در گستره جهانی یافته است، به صورت دقیق‌تر تحلیل گردد.

دهه‌های دوم، سوم، چهارم و پنجم قرن بیستم با حوادثی همراه بود که هریک در گزند کردن روند جهان‌گرایی اقتصاد سرمایه‌داری، سهم بسزایی داشت و به جرأت می‌توان ادعا نمود چنانچه هر یک و یا ترکیبی از این حوادث، در مقاطعی که تاریخ از آن‌ها یاد می‌کند به وقوع نمی‌پیوست، دنیا بیش از این، شاهد جهانی شدن اقتصاد می‌بود. در دهه دوم قرن بیستم حوادثی نظیر جنگ جهانی اول (۱۹۱۸-۱۹۱۴) و انقلاب روسیه (۱۹۱۷)، در دهه سوم بحران بزرگ اقتصادی امریکا که پس از دوره‌ای کوتاه، کم و بیش اکثر کشورهای سرمایه‌داری آن زمان و حتی کشورهای کمتر توسعه یافته را در نوردید (۱۹۲۹-۱۹۳۴) و در دهه چهارم وقوع جنگ جهانی دوم، که تا آن زمان جنگی بدین فراگیری و با این همه خسارت بر بشریت تحمیل نگردیده بود و طی این دوره، امکانات وسیعی از دنیای سرمایه‌داری آن زمان (اکثراً کشورهای اروپایی) از بین رفت، نابودی این امکانات و به دنبال آن در دهه پنجم، بازسازی اقتصاد داخلی این کشورها و در نتیجه، اتخاذ سیاست‌های حمایتی برای ایجاد زمینه رشد صنایع آسیب‌دیده، باعث شد جریان بین‌المللی شدن اقتصاد سرمایه‌داری با تأخیر مواجه شود. در این دهه، به دنبال نهضت‌های استقلال‌طلبانه، بازارهای مصرف و همچنین بازارهایی که تا آن زمان منابع و عوامل تولیدی ارزان را به کشورهای سرمایه‌داری ارائه می‌نمودند، از جرگه کشورهای تأمین‌کننده عوامل تولید ارزان و بازارهای آماده برای مصرف تولیدات شرکت‌های بین‌المللی خارج شدند.

در دهه ۱۹۵۰ با شروع نهضت ملی شدن صنعت نفت در ایران و به نتیجه قانونی رسیدن آن، حرکت صنعت جهانی نفت برای تسریع روند جهانی شدن اقتصاد در این بخش حیاتی با موانع جدی روبه‌رو شد. تا قبل از جنگ جهانی دوم و نهضت ملی شدن نفت، این سرمایه در اختیار کشور صاحب قدرت سیاسی و مالی آن زمان، یعنی انگلستان بود. به دنبال ملی شدن صنعت نفت ایران، سایر کشورهای منطقه نیز به فکر کنترل منابع هیدروکربوری زیرزمینی خود افتادند و در عمل، شرکتی مانند شرکت نفت ایران و انگلیس (که قبل از

ملی شدن نفت در مارس ۱۹۵۱ توانسته بود حداقل در منطقه خاورمیانه در کشورهای نظیر عراق، کویت و ترکیه حضور خود را تثبیت نماید) روند گسترش خود را در منطقه با مشکل مواجه دید. بنابراین در یک برنامه‌ریزی بلندمدت و با تجهیز قوا، به سایر مناطق نفت‌خیز جهان وارد گردید و در دهه پایانی قرن بیستم با تشریک مساعی دو شرکت معظم نفت و گاز امریکایی (Amoco و Arco) گامی بلند در جهانی شدن اقتصاد برداشت.

پس از جنگ جهانی دوم، گسترش سلطه شوروی سابق در کشورهای اشغال‌شده اروپایی و سپس توسعه اندیشه مارکسیسم - لنینیسم در پرتو دیدگاه‌های مائو، همچین اشاعه کمونیزم در مناطقی از جمله کشورهای افریقایی و امریکای لاتین و برخی از کشورهای خاور دور، مانعی جدی برای توجیه کشورهای غیر کمونیست در پذیرش یکنواختی اقتصاد جهان تحت لوای اصول اقتصاد سرمایه‌داری به وجود آمد. به عبارت دیگر، بخشی از توان اقتصادی جهان سرمایه‌داری مصروف خنثی نمودن حرکات ضد سرمایه‌داری کشورهای موسوم به بلوک شرق شد و همین امر در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ که تعدادی از کشورهای تازه استقلال یافته جهان با گرایش‌های غیر سرمایه‌داری - و نه لزوماً کاملاً کمونیستی - به دنبال شکل دادن به اقتصاد خود بودند، باعث شد که سیاست‌های اقتصادی جهان سرمایه‌داری به گونه‌ای جدید ولی با رشدی سریع‌تر از دهه‌های پیش، شکل بگیرد. در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ شرکت‌های بزرگ تولیدی و تجاری که در ابتدا اکثر آن‌ها را شرکت‌های امریکایی تشکیل می‌دادند و سپس با بازسازی اروپا که در دهه ۱۹۶۰ به پایان رسیده بود، شرکت‌های عظیم اروپایی نیز به خیل شرکت‌های امریکایی افزوده شدند. با ورود به دهه ۱۹۷۰ که شرکتهای ژاپنی نیز به عنوان کشوری نو صنعتی شده و سرمایه‌دار، در جرگه جهانی، خود را در معرض رقابت بین‌المللی قرار دادند، پدیده شرکت‌های چند ملیتی^۱ و در مرحله بعد (که گسترش این شرکت‌ها بیش از پیش شد) شرکت‌های فراملیتی^۲ و یا بی‌ملیتی، زمینه‌ساز اصلی تحقق آمال اقتصاد جهانی با اصول سرمایه‌داری گردید.

1. Multinationals
2. Trans-nationals

همراه با تحولات یاد شده و جابه‌جایی قطب‌های اصلی تولید انرژی در منطقه خلیج فارس، روند جهانی شدن اقتصاد در بخش انرژی، شکل جدیدی به خود گرفت. صنعت جهانی نفت که تا پایان دهه ۱۹۷۰ با بحران جدی افزایش قیمت‌ها روبه‌رو شده بود، پس از جابه‌جایی قطب‌های اصلی تأمین‌کننده نفت خام در منطقه خلیج فارس و جهان، همچنین ایجاد زمینه‌های امنیت عرضه از طریق تولیدکنندگانی که در دهه ۱۹۸۰ توجه خاصی به آن‌ها معطوف شده بود، باعث گردید بازار جهانی نفت با بحرانی از نوع جدید خود که کاهش و نهایتاً سقوط قیمت‌ها بود روبه‌رو گردد. اگرچه طی دهه ۱۹۹۰ با جنگ دوم خلیج فارس (اشغال کویت و سپس بیرون راندن عراق از کویت به وسیله نیروهای چندملیتی) بازار جهانی نفت، در این دهه، تنها برای مدت کوتاهی با افزایش قیمت‌ها روبه‌رو بود، اما عملاً بجز در موارد مقطعی به صورت میانگین، کاهش قیمت‌ها را مکرراً تجربه کرد (بجز ۵ ماه پایانی سال ۱۹۹۶ که انتخابات ریاست جمهوری امریکا در آن زمان برگزار گردید و ۹ ماه پایانی سال ۱۹۹۹ که عرضه نفت خام از طریق اوپک به میزان بسیار زیادی کنترل و کاهش یافته بود).

نگرانی در خصوص فقدان یا کمبود انرژی‌های صنعتی باعث شده است که کشورهای دارنده این منابع، پس از جنگ جهانی دوم همواره هدف آماج حملات سیاسی، اقتصادی و نظامی کشورهای مصرف‌کننده باشند. در نتیجه، هر زمانی که یکی از کشورهای دارنده این منابع عظیم، روند جهانی شدن اقتصاد و یا امنیت عرضه انرژی را به کشورهای پیشرفته صنعتی، مختل نموده و یا مانعی در این زمینه ایجاد کرده‌اند، با ابزاری از انواع سیاسی، اقتصادی و یا نظامی روبه‌رو گردیده‌اند. آخرین تحولی که در صنعت نفت و گاز جهان مشاهده می‌گردد، ادغام شرکت‌های عظیم نفت و گاز در یکدیگر است. اگرچه این تحول، دلایل درون شرکتی دارد، اما از واقعیتهای آتی نیز خبر می‌دهد و آن این است که این شرکت‌ها برای دورانی از زندگی بشر است که اقتصاد جهانی همگون‌تر و از مرحله منطقه‌ای و قاره‌ای به سمت اقتصاد جهانی حرکت می‌کند.

۲. اوپک، نقاط مشترک اندک

زمانی که اوپک در سال ۱۹۶۰ تأسیس گردید، این سازمان تحت عنوان نیروی جهان سومی که می‌تواند ناتوانی مناطق استعمار زده را بهبود بخشد، مورد توجه واقع شد. در سال ۱۹۷۳ سازمان اوپک با امکان دادن به دولت‌های عضو برای وضع یک جانبه قیمت‌های نفت، بخش عمده‌ای از مأموریت خود را به انجام رساند. اما این دستاورد نتوانست منجر به کنترل قیمت و یا هماهنگی در حجم تولید در درازمدت شود. اوپک وارد مرحله جدیدی از فعالیت خود گردید و با بحران‌هایی که پدید می‌آمد به چالش پرداخت.

حقیقت این است که کشورهای عضو اوپک به غیر از تشابه اتفاقی و جغرافیایی در مورد مالکیت نفت، تشابه اندکی با یکدیگر دارند. تفاوت‌های موجود در عملکرد اقتصادی تولیدکنندگان و نیازهای آنان تنها عاملی نیست که تأثیرگذاری اوپک را محدود می‌سازد، بلکه تفاوتها و حتی تضادهای آشکار اجتماعی - سیاسی دیگری نیز در بین اعضا وجود دارد.

اعضای اوپک از لحاظ فرهنگی با یکدیگر نامتجانس‌اند و از لحاظ مذهب، مساحت، جمعیت و شکل حکومت نیز با یکدیگر متفاوت‌اند. همچنین از لحاظ تنوع اقتصاد، حجم ذخایر و فعالیت در بخش پایین دستی در سطح بین‌المللی نیز با یکدیگر فرق دارند و این تفاوت‌ها روبه‌تزیاید است.

کشورهای عضو اوپک با ۵۱۳ میلیون نفر جمعیت و با مساحتی بیش از ۱۲/۲ میلیون کیلومتر مربع، دارای تولید ناخالص داخلی در حدود ۸۶۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ بوده‌اند. به طور کلی تولید ناخالص داخلی سرانه این کشورها در حدود ۱۶۷۵ دلار بوده و در این بین، قطر با بیش از ۲۴ هزار دلار بیشترین و نیجریه با ۳۱۹ دلار کمترین تولید ناخالص داخلی سرانه را در این سال داشته‌اند.^۱

توجه به این نکته ضروری است که سازمان اوپک یکی از با سابقه‌ترین سازمان‌های بین‌المللی در کشورهای در حال توسعه است که پس از گذشت بیش از ۴۰ سال هنوز هم به

1. OPEC Annual Statistical Bulletin, 2001

فعالیت خود ادامه می‌دهد و در تاریخچه اقدامات خود ثابت کرده است که هرگاه عزم سیاسی کشورهای عضو تقویت شده، توانسته است نقش خود را به خوبی در بازار نفت ایفاء نماید. با این حال اوپک با چالش‌ها و موانع ساختاری متعددی در داخل خود روبه‌رو است. اولین چالش اوپک این است که سازمانی متشکل از کشورهای در حال توسعه است و مشکل اصلی کشورهای در حال توسعه، کم بودن منابع نیروی انسانی متخصص آن‌ها است. اوپک طی سالهای گذشته از داشتن نیروی انسانی متخصص که درک عمیقی از بازارها و صنعت جهانی نفت داشته باشند و اقتصاد جهانی و عوامل مختلف سیاسی، فنی و اقتصادی - اجتماعی که بر عرضه و تقاضای نفت تأثیر می‌گذارند را بشناسند محروم بوده و از کمبود چنین نیروهایی رنج برده است. مقصود این است که با توجه به اهمیت چشمگیر نفت برای اقتصاد و ثبات سیاسی کشورهای صادر کننده آن، تعداد چنین متخصصانی بسیار اندک است.

یکی دیگر از مشکلات اوپک به مفهوم استقلال مربوط می‌شود. موضوع استقلال، مشکلی است که اکثر سازمان‌های بین‌المللی، با آن روبه‌رو هستند؛ به این معنی که اعضاء از تن دادن کامل به مصوبات سازمان به بهانه حفظ منافع ملی و صیانت از استقلال خود استکفاف می‌ورزند. در مورد اوپک آثار این برداشت غلط از مفهوم استقلال ملی عبارت است از وجود دبیرخانه‌ای ضعیف حتی در برهه‌هایی که افرادی قوی و توانا دبیر کل اوپک بوده‌اند و همچنین عدم ارسال اطلاعات درست به سازمان از سوی اعضاء به صورتی که اوپک ناچار است برای تنظیم سیاست‌های خود، به منابع ثانویه مراجعه نماید.

۳. همکاری تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان جهانی

طی سال‌های اخیر کشورهای عضو اوپک شور و شوق محدودی برای جهانی شدن سریع بازارهای نفتی از خود نشان داده‌اند. امروزه بازیگران زیادی در بازار وجود دارند، مبادله نفت بین بازارهای مختلف به راحتی انجام می‌شود، سودها کاهش یافته و عوامل غیرکارا

تقریباً از بازار حذف شده‌اند. عرضه نفت، منطقه‌ای تر شده و حتی شرکت‌های معظم حاصل از ادغام‌های جدید با احتیاط بیشتری به معاملات نفتی می‌پردازند.

اگر بازار به توسعه خود ادامه دهد، تقاضای زیادی برای نفت و گاز اوپک ایجاد می‌شود و تقاضا عمدتاً از دخالت‌های سیاسی و راهبردی که در گذشته رواج داشت، خلاص خواهد شد.

علاوه بر همه این موارد، گسترش بازار نفت باعث افزایش استحکام آن می‌شود و احتمال آن وجود دارد که به نفع اوپک نیز عمل نماید.

می‌توان ادعا نمود که در جهانی وابسته به هم، منافع اوپک تا حد زیادی در ارتباط با منافع کشورهای صنعتی است. بنابراین، راهبرد اوپک می‌بایست از وضعیت تقابل با کشورهای صنعتی به سمت روشی که مبتنی بر همکاری و گفتگو باشد، تغییر یابد.

روابط آژانس بین‌المللی انرژی و اوپک به صورتی است که دیگر در دو طرف مقابله قرار ندارند. هر دو گروه متوجه خطرات ناشی از قرار گرفتن در بازارهای به شدت متلاطم و آشوب‌زده هستند و با این حقیقت گریزناپذیر زندگی می‌کنند که به یکدیگر وابسته‌اند. رهبران آن‌ها نیاز به برخورد هوشیارانه با مسائل پیچیده امروزه را مورد تأکید قرار می‌دهند. این مسائل ناشی از تغییرات جغرافیای سیاسی، اقتصادی، مالی و فنی بوده و بی‌اطمینانی ناشی از جو تهدیدآمیز، آن‌ها را به وجود آورده است. هر دو گروه به اهمیت بقای اطمینان در بازار و امنیت عرضه انرژی بر اساس قیمت‌های معقول واقف‌اند.

جریان سرمایه‌ای که از طریق صادرات نفت به دست می‌آید و همچنین کالاهای مصرفی که وارد می‌شود، منطقه خلیج فارس را در معرض سیستم تجارت جهانی قرار می‌دهد، ولی به گونه‌ای سازماندهی نشده است که به سایر واردات بالقوه نظیر فن‌آوری و دانش فنی نیز روی آورند.

در مجموع، برخی اوضاع و شرایط، عملکرد اقتصادی تولیدکنندگان نفت این ناحیه را به شدت تغییر داده و منجر به بروز مشکلات اقتصادی بسیاری شده است. جنگ بلندمدت ایران و عراق از لحاظ مالی طاقت‌فرسا بود و جنگ دوم خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ نیز این

کسری‌ها را عمیق‌تر کرد. در عین حال اقتصاد جهانی نیز تغییری بنیادی کرده است. از اواخر سال‌های ۱۹۷۰ ملت‌ها در همه جای دنیا، نقش دولت را در اقتصاد خود کاهش داده و اتکاء خود را به بازار و تجارت آزاد، عمق بخشیده‌اند. به‌طور هم‌زمان فن‌آوری‌های جدید نیز موانع جغرافیایی، عقیدتی و سیاسی مبادلات بین مرزها را کاهش داده و بازارهای انرژی، کاملاً آثار این واقعیت‌های جدید جهانی را احساس کرده‌اند. بسیاری از بازارهای انرژی، مقررات زدایی شده و محدودیت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی کاهش یافته است. این تغییرات برای اوپک به معنی افزایش رقابت غیر اوپک با او برای تصاحب سهم بازار است؛ مبارزه‌ای که بدون تردید در هزاره جدید نیز ادامه خواهد یافت.

مالیات سنگینی که به فرآورده‌های نفتی در اروپا تعلق می‌گیرد یکی از عوامل بی‌ثباتی به شمار می‌آید. این موضوع باعث می‌شود که اوپک سعی کند قیمت‌ها افزایش یابند؛ زیرا وضع چنین مالیات‌هایی نشان می‌دهد که مصرف‌کنندگان قادرند قیمت‌های بالایی را پرداخت نمایند. با این وضعیت، نوسان قیمت‌های نفت را می‌توان نتیجه برخورد بین دولتهای اروپایی و کشورهای عضو اوپک برای تصاحب بخش بیشتری از درآمد مصرف‌کنندگان تلقی کرد.

صرف نظر از مسئله همکاری کشورهای تولیدکننده نفت غیر اوپک با کشورهای اوپک، مسئله همکاری و اتفاق نظر میان اعضای اوپک نیز اهمیت بسیاری دارد. غالباً مشاهده شده است که هرگاه اعضای اوپک نسبت به سهمیه‌های تعیین شده و مصوبات خود تا اندازه‌ای مقید بوده‌اند، تعهدات تولیدکنندگان غیر اوپک در زمینه کاهش تولید نیز تا حدی رعایت شده است، لیکن به مجرد اینکه بنا به دلایل مختلف، اعضای اوپک از رعایت سهمیه‌ها و یا مصوبات خویش خودداری نموده‌اند، کشورهای غیر اوپک نیز تعهدات خود را در عمل ملغی شده پنداشته‌اند. بنابراین، انضباط درونی در داخل اوپک، می‌تواند نبض جلب همکاری با تولیدکنندگان غیر اوپک باشد. از این گذشته، ثبات بازار علاوه بر نظم بخشیدن بر امر تولید و یا صادرات، به روش‌های گوناگون فروش نفت و یا قیمت‌گذاری این کالای راهبردی نیز بستگی دارد.

مسئله همکاری با این گونه کشورها، به خصوص با کشورهایی که دارای ذخایر قابل توجهی هستند نباید تنها در کوتاه مدت مورد توجه قرار گیرد، بلکه همکاری با این کشورها را باید برای زمانی بلندمدت تر مورد نگرش قرارداد؛ زیرا اگرچه هریک از این کشورها از لحاظ سیاسی وابستگی هایی دارند، لیکن جهت همکاری غالب این کشورها یکسان است و با هدف بالابردن قدرت مالی خود انجام می پذیرد.

اما سؤال اصلی این است که اوضاع در آینده چگونه خواهد بود؟ در پاسخ می توان گفت که در کوتاه مدت با توجه به اینکه کشف و بهره برداری از حوزه های جدید سالها وقت لازم دارد، اگر اوپک انسجام خود را حفظ نماید، بر بازار تسلط خواهد داشت. اما در میان مدت، همه چیز به ظرفیت تولید اعضای اوپک و میزان تقاضای بازار بستگی دارد؛ زیرا اوپک فقط وقتی می تواند خودش را تحمیل کند که وضعیت اقتصاد جهانی مطلوب باشد. وانگهی کشورهای غیر اوپک فقط هنگامی با اوپک همراه می شوند که برایشان سود داشته باشد و اوپک هنگامی حرفی برای گفتن دارد که میزان تقاضا به عرضه نزدیک شود. اگر تحریم صنعت نفت عراق لغو شود و این کشور، تولید خود را دو برابر کند (از ۳ میلیون بشکه به ۶ میلیون بشکه در روز) و اکتشافات اخیر در آنگولا و سایر نقاط به نتیجه برسند، آن وقت وضعیت اوپک شکننده تر خواهد شد. در بلندمدت هم همه چیز به روند تقاضای جهانی انرژی، اکتشافات جدید و بالاخص پیشرفت فن آوری بستگی دارد.

۴. سازمان تجارت جهانی

رکود اقتصادی دهه ۱۹۳۰ موجب شد کشورهای صنعتی، سیاست های حمایتی از تولیدات داخلی را سرلوحه برنامه های خود قرار دهند. این سیاست های حمایتی متقابل، موجب فقیرتر شدن همسایه گردید و بنابراین دسترسی به بازارهای خارجی به عنوان امری لازم و ضروری جلوه گر شد. از همین رو تلاش برای آزادسازی تجارت در سطح بین المللی آغاز شد و سرانجام در اکتبر ۱۹۴۷ با امضای موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (GATT) به وسیله ۲۳ کشور غربی، اولین موفقیت در خور توجه در ژنو حاصل شد.

جلسات مربوط به گات در سالهای بعدی نیز برگزار شد تا اینکه در سال ۱۹۹۳ در نشستی که در اوروگوئه برگزار گردید، ۱۱۷ کشور موافقتنامه‌ای ۵۵۰ صفحه‌ای به تصویب رساندند که گسترده‌ترین قرارداد تجاری جهان تا آن زمان محسوب می‌شد. در سال ۱۹۹۵ سازمان تجارت جهانی به پیشنهاد کشورهای کانادا و مکزیک و کشورهای عضو اتحادیه اروپا، آغاز به کار کرد و کلیه کشورهای عضو گات موظف شدند ظرف مدت ۲ سال به عضویت این سازمان در آیند. عضویت در این سازمان به معنی پذیرش تمام نتایج و مصوبات دور اوروگوئه بود. وجه تمایز این سازمان با گات در جنبه‌های حقوقی آن است که قدرت بیشتری به این سازمان در مقایسه با گات می‌دهد. هم اکنون در حدود ۱۴۰ کشور جهان با در اختیار داشتن بیش از ۹۰ درصد تجارت جهانی، عضو *WTO* بوده و بعضی از کشورهای دیگر نیز در حال اقدام و یا مطالعه برای پیوستن به این سازمان هستند^۱.

نظام تجاری سازمان تجارت جهانی بر پایه این واقعیت بنا شده است که تجارت آزاد، رشد اقتصاد را افزایش می‌دهد و به توسعه کمک می‌کند. عقیده بر این است که سرمایه‌گذاری‌های خارجی باعث رشد اقتصادی نمی‌شود بلکه به دنبال رشد اقتصادی و ایجاد زیرساخت‌های مورد نیاز، سرمایه‌های خارجی از راه می‌رسند.

در چنین وضعیتی تجارت و توسعه، تکمیل‌کننده یکدیگرند. در عین حال، این مسئله که آیا کشورهای در حال توسعه به اندازه کافی از این نظام تجاری منتفع شده‌اند یا نه، به مناقشه‌ای مستمر در این سازمان تبدیل شده، اما این مناقشه به این مفهوم نیست که گفته شود نظام تجارت جهانی هیچ کمکی به کشورهای در حال توسعه نکرده است. گذشته از این، موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی شامل مواد مهمی است که به طور ویژه، منافع کشورهای در حال توسعه را مد نظر قرار داده است. کوتاه‌سخن اینکه بهره‌مندی کشورهای در حال توسعه از عضویت در سازمان تجارت جهانی تا حد زیادی بستگی به استفاده آن‌ها از فرصت‌های به دست آمده دارد.

۱. واحد تحقیقات اقتصاد ایران با همکاری واحد اطلاعات و خبر اقتصاد ایران.

روند الحاق به سازمان تجارت جهانی، طولانی، پیچیده و دشوار است و نیازمند تدارک همه جانبه در سطح ملی و مذاکرات دشوار و موشکافانه در سطح دو و یا چندجانبه است. از سوی دیگر با توجه به اینکه نفت اصلی ترین منبع درآمد ارزی اکثر قریب به اتفاق کشورهای عضو اوپک محسوب می گردد و در آینده میان مدت نیز چنین خواهد بود؛ بنابراین پیوستن به سازمان های مختلف باید با در نظر گرفتن جایگاه نفت و امکان حداکثرسازی منافع این کشورها صورت پذیرد.

نتیجه نهایی الحاق به WTO، حقوق و تعهداتی برای کشورهای عضو به همراه خواهد داشت و آن ها را در یک سیستم تجاری چندجانبه ادغام خواهد کرد. با وجودی که پیوستن کشورها به این سازمان، امری اختیاری و آزادانه است، بسیاری از کشورها احساس می کنند که وارد شدن به این نظام، بهتر از خارج ماندن از آن است. دلایل کشورها در پیوستن به این سازمان در اصول اساسی آن، از قبیل اصل عدم تبعیض و اصل شفافیت نهفته است. کشورها با پیوستن به این سازمان به طور خودکار از تمامی منافی که اعضای این سازمان به یکدیگر اعطاء کرده اند بهره مند می شوند. در عین حال، عدم عضویت یک کشور در سازمان تجارت جهانی به این معنی است که این کشور در تجارت جهانی باید موافقت نامه های تجاری دوجانبه با تک تک شرکای تجاری خود منعقد نماید. چنین امری نیازمند منابع و هزینه های بیشتری است. این موضوع به ویژه برای کشورهای در حال توسعه می تواند مشکل آفرین باشد و چه بسا که این کشورها در مذاکرات دوجانبه ضعیف تر باشند. اما کشورهای در حال توسعه از طریق پیوستن به این سازمان و ائتلاف با سایر کشورهایی که منافع مشترک دارند، می توانند قدرت چانه زنی خود را افزایش دهند و بر روند تصمیم گیری و تصمیم سازی سازمان مؤثر باشند.

هنگامی که دولتهای کشورهای توسعه یافته، به اوپک به عنوان موجودی عقب مانده در دنیای تجارت آزاد و جهانی نگاه می کنند در واقع فراموش کرده اند که ماجرا چگونه شروع شد. آن ها خودشان بودند که قیمت نفت را برای سالهای متمادی کمتر از قیمت کالاها و خدماتی که در سطح بین المللی مبادله می شد نگاه داشتند. در واقع آن ها بودند که نیاز به

ایجاد اوپک را مطرح ساختند. آن‌ها تعرفه‌ها و سهمیه‌هایی برای واردات نفت تعیین کردند تا به وسیله آن‌ها از تولید داخلی خود در مقابل نفت ارزان وارداتی حمایت کرده باشند. در حقیقت آن‌ها دست به اقداماتی زدند که امروزه سازمان تجارت جهانی به آن اعتراض دارد. اکنون نیز به عنوان بخشی از نظم نوین اقتصاد جهانی، درصدد یافتن راه‌های جدیدی هستند که تقاضا را کنترل نمایند و سهم بازار را در تجارت نفت به دست آورند. اگر هر کشور دیگری هزینه کالای وارداتی را با اعمال تعرفه به میزانی حدود ۴ برابر قیمت تمام شده آن افزایش دهد، این اقدام به عنوان مانعی در مقابل تجارت آزاد محسوب می‌گردد؛ ولی اعمال مالیاتی که دولت‌های کشورهای مصرف‌کننده بر واردات نفت تحمیل می‌نمایند در عین حال که در همین سطح است، اما هیچ‌گونه توجهی را به خود جلب نکرده است.

صاحب‌نظران پیشنهاد نموده‌اند که تولیدکنندگان عمده نفت به خصوص اعضای اوپک برای مطرح کردن مخالفتشان با مالیاتهای بالای انرژی در کشورهای مصرف‌کننده، از چارچوب سازمان تجارت جهانی استفاده کنند؛ یعنی تولیدکنندگان نفت با هر مالیات‌بندی جدیدی که تفاوت بین نفت و سایر سوختها مانند زغال سنگ را افزایش دهد، تحت عنوان تبعیض می‌توانند به چالش برخیزند.

در واقع مالیات مزبور باعث می‌شود که توزیع درآمد در زنجیره تولید و بازاریابی هیدروکربورها به هم بخورد. به عنوان مثال تا زمانی که بنزین به دست مصرف‌کننده نهایی در برخی از کشورها (آلمان و فرانسه) می‌رسد، تولیدکنندگان ۱۳ درصد، شرکت‌ها ۹ درصد و دولت ۷۸ درصد از قیمت این فرآورده را به خود اختصاص می‌دهند. به عبارت دیگر یک سیاست مالیاتی می‌تواند بیشترین درصد قیمت بنزین را در کشورهای مصرف‌کننده مصادره نماید و این واقعاً ایجاد اختلال در بازار است.

کشورهای مصرف‌کننده نفت از یک سو با اعمال مالیاتهای سنگین بر مصرف‌کننده نهایی فرآورده‌های نفتی، مانع هرگونه افزایش تقاضای نفت می‌شوند و از سوی دیگر با اعمال سیاست‌های تشویقی، سعی در همگانی کردن صرفه‌جویی انرژی و تولید و مصرف

انرژی‌های جایگزین نفت را دارند. این کشورها همواره با ذخیره‌سازی‌های گوناگون نفت، به مدیریت بازار می‌پردازند.

کشورهای عضو اوپک باید باب گفتگو را در مورد این موضوعات در سازمان تجارت جهانی بگشایند و اوپک نباید بیش از این سازمانی ضد بازار تلقی شود. در حالی که مصرف‌کنندگان خود را به عنوان سمبل تجارت و بازار آزاد قلمداد می‌کنند، اوپک باید سعی کند خود را از دست موانع و عوامل بازدارنده توسعه تجارت جهانی نفت خلاص نماید. وقتی که این هدف به دست آمد، اوپک دیگر مجبور به مدیریت بازار نخواهد بود و مصرف‌کنندگان نیز دیگر مجاز نخواهند بود که مالیات داخلی بر نفت اعمال نمایند و از این طریق سهم عمده قیمت‌های نفت را نصیب خود سازند.

چالش جدید اعضای اوپک این است که بیاموزند چگونه این بازی را هدایت کنند تا از امتیاز قوانین تجارت آزاد در چارچوب سازمان تجارت جهانی استفاده نمایند و مطمئن شوند که این هدف قابل دستیابی است. سناریوی جدید برای مباحث جهانی، چیزی جز سازمان تجارت جهانی نیست. اگر همه بازیگران به جای اینکه هر کدام منافع محدود ملی خود را دنبال نمایند، در مجتمعی جهانی (مشکل از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان عمده) جمع شوند، به نظر می‌رسد مشکلات به نحو بهتری حل و فصل شوند.

۵. فن آوری

در آستانه قرن بیست و یکم، جهان نسبت به دنیایی که در دهه‌های گذشته وجود داشت، تغییر کرده است. تحولات فناورانه، اقتصادی و سیاسی-اجتماعی، دنیای جهانی شده جدیدی را به وجود آورده‌اند که انتقال آزاد و بی‌حد و حصر دانش و اطلاعات، از جمله ویژگی‌های آن محسوب می‌شود. احتمالاً می‌توان صنعت نفت را به عنوان صنعتی که از یک قرن گذشته، جهانی شده معرفی نمود. این صنعت اینک جزء لاینفک دنیای جهانی شده جدید است.

بیشترین تعاریفی که از اقتصاد نوین ارائه می‌شود بر *TMT* (فن آوری، رسانه‌ها و ارتباطات راه دور) تأکید می‌کند و شامل نفت نمی‌شود. با این حال، صنعت نفت یکی از پیشرفته‌ترین استفاده‌کنندگان از فن آوری (از کاربردهای مستقیم فن آوری مانند لرزه‌نگاری سه‌بعدی و چهاربعدی و سیستم‌های کنترل تولید تا استفاده روزمره از فن آوری اطلاعات در سیستم‌های اطلاعات مدیریتی و ویدیو کنفرانس‌ها) است. در نتیجه، صنعت نفت جزء لاینفک و پویای اقتصاد جهانی جدید محسوب می‌شود.

جهانی شدن نفت، گاز، کالا، سرمایه و سایر بازارهای مالی باعث شده که نظم بازار جهانی حتی منزوی‌ترین تولیدکنندگان نفت و گاز را تحت تأثیر قرار دهد. آن‌ها دیگر نمی‌توانند نیاز خود را به فن آوری اکتشاف و تولید نفت که همواره در حال پیشرفت است با محافظه‌کاری در مورد صنعت، کاغذ بازی متحجرانه و با هدایت ناصحیح دولت، نادیده بگیرند. دسترسی به تأمین مالی بین‌المللی در مناطق حاشیه‌ای که هزینه بالایی دارند بسیار اساسی است. حتی کشورهای دارای ذخایر غنی خلیج فارس در مورد ریسک عقب افتادن در مسابقه فن آوری، سخت‌نظرانند و همه آن‌ها تا حدودی در مورد تأمین مالی طرح‌های خود با مشکل مواجه شده‌اند.

بسیار ساده‌لوحانه است که سرمایه‌گذاری در فن آوری‌های پیشرفته به تأخیر افتد. در عین حال که آینده کوتاه مدت تولید نفت و گاز بسیار عالی به نظر می‌رسد، اما چشم‌انداز بلندمدت آن به ارزیابی محتاطانه‌ای نیاز دارد.

یکی از پیشرفت‌های قابل توجه، انتقال تصاویر ویدیویی، اشکال و نمودارهاست. این موضوع به گروه‌های کاری اجازه می‌دهد که در نقاط مختلف جهان در مورد کار بر روی پروژه‌ها به طور همزمان با یکدیگر همکاری کنند. برای مثال، مهندسان می‌توانند در مورد یک سکوی حفاری در دریای شمال، اطلاعات لرزه‌نگاری را با همکاران خود در لندن و یا هوستون به صورت همزمان بررسی نموده و در مورد آن‌ها بحث کنند و همگی به طور مستمر و همزمان برنامه‌های حفاری را بررسی نمایند. منافع مشابهی نیز می‌تواند برای بخش پالایش و در مجموع، بخش پایین دستی مطرح گردد. توانایی مطالعه فوری داده‌های

عملیات انجام شده، شاید یکی از تحولات جذاب و چالش برانگیز شرکت‌های نفتی باشد که اکنون با آن مواجه هستیم.

از طرفی، فن‌آوری، اقتصاد طرح‌های بخش بالادستی نفت را دگرگون ساخته است. هزینه توسعه در میادین نفتی دریای شمال یا خلیج مکزیک در حدود ۴ دلار در هر بشکه است و در مواردی نادر این رقم به ۶ دلار نیز می‌رسد. این ارقام را باید با هزینه توسعه میادین دریای شمال در ابتدای دهه ۱۹۸۰ که در حدود ۱۱ دلار برای هر بشکه و حتی در برخی میادین کوچک که ۱۸ دلار در هر بشکه بود مقایسه نمود تا تفاوت فاحش به وجود آمده را درک کرد. هزینه‌های عملیاتی نیز در این مدت از ۷ دلار در هر بشکه و حتی بیشتر از این به کمتر از ۵ دلار کاهش یافته است. رایانه‌های قدرتمند (جهت شبیه‌سازی مخازن، کنترل عملیات تولید و...) و لرزه‌نگاری سه و چهار بُعدی به مقدار زیادی از عملیات اکتشافی حدسی جلوگیری نموده‌اند.

حفاری افقی باعث شده نفت بیشتری از میادین، قابل استحصال باشد. استفاده از سکوها نفتی شناور در تولید دریایی که همزمان عملیات ذخیره‌سازی و فرآوری اولیه (جداسازی گاز از نفت و...) را نیز انجام می‌دهند، باعث شده عملیات در میادین کوچک و بهره‌برداری از ذخایر نفت و گاز آب‌های عمیق نیز از نظر اقتصادی مقرون به صرفه گردد.

پیشرفت‌ها و جهش‌های فناورانه می‌توانند تصویر بلند مدت عرضه و تقاضای جهانی انرژی را بسیار زیاد تغییر دهند. منابع انرژی تجدیدپذیر مانند بیوماس، انرژی خورشیدی، نیروی باد و انرژی اقیانوس‌ها می‌توانند مقادیر عظیمی انرژی در اختیار بشر قرار دهند. استفاده از هیدروژن در سلول‌های سوختی و یا سایر اشکال می‌تواند قسمت عمده نیازهای بشر را برآورده سازد.

افزایش قیمت‌های نفت خام سبب شده تا سرمایه‌گذاری به سمت منابع غیرمتعارف نفت خام نیز سوق یابد؛ به ویژه آنکه پیشرفتهای فناورانه سبب کاهش هزینه‌های عملیاتی آن گردیده و در نتیجه، امکان جذب بیشتر سرمایه‌ها را فراهم آورده است. توسعه فن‌آوری باعث کاهش هزینه عرضه نفت از منابع غیرمتعارف می‌شود. با توجه به مقادیر عظیم منابع

غیر متعارف، کاهش بیشتر هزینه تولید، چشم اندازهای آتی عرضه جهانی نفت را دگرگون خواهد نمود.

تحلیل گران برآورد می نمایند که حدود ۳۰۰ تا ۲۵۰۰ میلیارد بشکه نفت از ذخایر «ماسه نفت دار»^۱ کانادا قابل بازیافت است.^۲ این حجم عظیم نفت می تواند تقاضای جهانی نفت را در سطح فعلی، حداقل به مدت ۱۰ سال برآورده سازد.

هر چند ممکن است برآوردهای اولیه از میزان ذخایر «ماسه نفت دار» اغراق آمیز باشد ولی تولید آن می تواند به عنوان جایگزین نفت خام متعارف مطرح باشد؛ به ویژه آنکه از بُعد جغرافیای سیاسی، این ذخایر در مناطقی قرار دارند که از ثبات اقتصادی و سیاسی لازم نیز برخوردار است. هر چند نمی توان به سادگی از کنار مسائل و مشکلات زیست محیطی آن گذشت؛ زیرا مردم این مناطق ارزش زیادی برای محیط زیست خود قائل اند و در نتیجه، یکی از فشارهایی که می تواند منجر به کند شدن سرعت فعالیت ها گردد همین مسئله است. آنچه مسلم است این است که کشورهای توسعه یافته صنعتی و به ویژه اعضای IEA به این ذخایر با دید راهبردی می نگرند و از توسعه آن حمایت می کنند؛ زیرا این منابع در بلندمدت قادرند از شدت وابستگی آنان به نفت خلیج فارس بکاهند.

بنابراین در برآورد تقاضا و پیش بینی تولید می بایست با احتیاط بیشتر عمل نمود؛ زیرا جایگزینهایی از قبیل نفت خام غیر متعارف، گاز طبیعی و حتی زغال سنگ (در صورت بهبود فن آوری) به سرعت، تقاضای نفت خام را متأثر ساخته و نظرات خوش بینانه در مورد بی رقیب بودن نفت را نقش بر آب می کنند.

۶. تجارت الکترونیکی

یکی از جالب ترین تحولات اخیر، شکل گیری تجارت اینترنتی است که از طریق بورس های مشترک انجام می شود. این پدیده می تواند شرکت های مرتبط به حوزه صنعت را

1. Oil Sands = Tar Sands (شهای قیری)

2. IEA, *World Energy Outlook 2001*

در یک بازار الکترونیکی گردهم آورد؛ جایی که آن‌ها می‌توانند با هم جمع شوند و به خرید و فروش کالا و خدماتی که به تمام بخش‌های صنعت مربوط می‌شود پردازند. سیستم‌های متکی بر اینترنت این امکان را به معامله‌گران می‌دهند که به حیطه گسترده‌ای از سری زمانی قیمت‌ها و اطلاعات مربوط به عرضه دست پیدا کنند. آنان قادر خواهند بود که دست‌اندرکاران جدید و کوچک‌تری را به بازار جذب کنند، همچنین فرآیند حذف واسطه‌ها را تسریع نمایند و دست واسطه‌ها و یا دلالتان را از بازار قطع کنند. به هر حال پیش‌بینی می‌شود شفافیت اطلاعات بازار و کاهش هزینه‌های بالاسری پیش از آنکه تأثیر خود را بر سود آشکار سازد، باعث بهبود عملیات تجاری شرکت کنندگان در مبادلات الکترونیکی شود.

تجارت الکترونیکی از طریق امکان همکاری بین خریداران و از طریق مزایده معکوس در اینترنت، توازن قدرت را برهم می‌زند. علاوه بر این درهای باز معاملات در صنعت انرژی، شرکت‌های مرتبط به حوزه صنعت را به این بازار الکترونیکی می‌کشاند؛ جایی که آن‌ها می‌توانند با یکدیگر تعامل داشته باشند و به خرید و فروش کالاها و خدمات موردنیاز عملیاتشان پردازند. از طریق شبکه‌های ارتباط راه دور و سریع که در اختیار شرکت‌های انرژی قرار می‌گیرد، فرصت‌های جالبی به وجود می‌آید که شیوه فعالیت آن‌ها را تغییر خواهد داد و به آن‌ها اجازه می‌دهد در نقاط مختلف جهان به تحلیل و ارائه عکس‌العمل مناسب در زمان موردنیاز مبادرت نمایند.

صنعت نفت با تأخیر زیاد به دنیای تجارت الکترونیکی پا نهاده، اما به نظر می‌رسد در حال حاضر در صدد جبران زمان از دست رفته است. تاکنون فعالیت‌های زیادی صورت گرفته و منجر به تشکیل شرکت‌هایی شده است که درگیر تجارت الکترونیکی شده‌اند و سرگرم خرید و فروش، معاملات تأمینی و عملیات بهبود کارآیی هستند. فن‌آوری جدید، روشی را که شرکت‌های نفتی به خرید و فروش کالاها و یا خدمات می‌پردازند تغییر می‌دهد. این تغییر در تمامی زنجیره عرضه از سکوها تولید نفت تا جایگاه‌های خرده‌فروشی را دربرمی‌گیرد. خرید الکترونیکی، تجارت بزرگی به شمار

می‌آید و انتظار می‌رود که هزینه‌های خرید را ۱۰ تا ۵۰ درصد کاهش دهد. اطلاعات موجود در اینترنت در مورد عرضه کنندگان این امکان را به خریداران داده است که کارآیی عملیات خرید خود را افزایش دهند و هزینه‌های خود را از طریق مزایده معکوس، کاهش دهند. ظهور شرکت‌های مختلفی که اطلاعات مربوط به عرضه کنندگان صنعت را در اختیار دارند و همچنین عرضه مشاوره‌های مورد نیاز، هزینه‌های صنعت را بیشتر کاهش خواهد داد. عرضه کنندگان نیز از فن‌آوری جدید، سود خواهند برد؛ زیرا ارتباطات نزدیکتر با مشتریان به آنان اجازه می‌دهد که عملیات عرضه کالای خود را در مقادیر و زمان مناسب، بهینه و کارا تر سازند.

هرچه اطلاعات بازار بیشتر شود و هزینه‌های بالاسری کم‌تر، پیش از اینکه این امر باعث کاهش سود معامله‌گران شود پیش‌بینی می‌شود که انجام تجارت را برای دست اندرکاران بورس الکترونیکی بهبود بخشد. در حال حاضر، بازار جبرانی، جدا افتاده و در خارج از بورس انجام می‌شود؛ بنابراین غیر کارا بوده و استفاده از دلالتان باعث می‌شود که اطلاعات مربوط به قیمت، غیر شفاف و محدود باقی بماند. به هر حال بورس الکترونیک موجب افزایش حجم معاملات در این بازار می‌شود و هزینه‌ها را کاهش می‌دهد. همچنین این امر باعث گسترده‌تر شدن دسترسی به این بازارها نیز می‌شود.

توان و قدرت صرفه‌جویی هزینه در صنعتی که سالانه ۲۰۰ میلیارد دلار کالا و خدمات خریداری می‌کند بسیار زیاد است. شرکت شورون تخمین می‌زند که صنعت نفت و گاز می‌تواند به طور متوسط ۱۰ درصد از هزینه‌های سالانه خود را از طریق خرید الکترونیکی صرفه‌جویی کند و حتی صرفه‌جویی‌ها در برخی از شرکت‌ها می‌تواند از این مقدار هم بیشتر باشد. شرکت بی‌پی آموکو قصد دارد با استفاده از سیستم‌های مبتنی بر اینترنت ۹۵ درصد از خریدهای خود را انجام دهد و تخمین می‌زند که می‌تواند تقریباً تا یک - چهارم از هزینه ۵ میلیارد دلاری خود را از این طریق صرفه‌جویی کند.

در حالی که تجارت الکترونیکی در بخش بالادستی صنعت نفت، موضوع صرفه‌جویی را در هزینه‌ها مورد توجه قرار می‌دهد، در بخش پایین دستی نیز با مبنای قرار دادن نظرات

مشتریان می‌تواند منافع سرشاری را به صورت افزایش درآمد ایجاد کند. شرکت‌های تولید نیرو و گاز طبیعی، جلوتر از صنعت نفت در این زمینه فعالیت می‌کنند؛ زیرا مقررات زدایی این صنایع سبب تشدید این روند در اروپا شده است.

۷. تغییرات در بازار جهانی انرژی

جهانی شدن اقتصاد، ناشی از رشد سریع تجارت جهانی و رشد فزاینده سرمایه‌گذاریهای بین‌المللی است. همچنین عواملی از قبیل انقلاب در فن‌آوری اطلاعات، توسعه بازارهای مالی و توقف جنگ سرد نیز در سرعت بخشیدن به این موضوع مؤثر بوده‌اند.

جهانی شدن اقتصاد باعث شده تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان، یکدیگر را بهتر درک کنند و منافع خود را در بازار بین‌المللی نفت تسهیم نمایند. گفتگو بین مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان عادی شده؛ زیرا بحث وابستگی متقابل پذیرفته شده است.

برخلاف گذشته، نفت خام دیگر قادر نیست تسلط خود را برای مدت زیادی بر بازارهای جهانی انرژی حفظ نماید. سهم نفت از کل عرضه انرژی اولیه کاهش یافته است به طوری که این سهم از ۵۰ درصد در دهه ۱۹۷۰ به ۴۰ درصد رسیده و سهم گاز و برق در سبد انرژی مصرفی، به طور پیوسته افزایش یافته است. سهم انرژی‌های تجدیدپذیر و سوخت‌های غیرمتعارف که تاکنون نقش چندانی نداشته‌اند، در حال افزایش است.

تجارت نفت اکنون به سوی تنوع و پیچیدگی حرکت می‌کند. این معاملات، علاوه بر

جاری از کشورهای عضو OECD بخش گاز خود را آزاد کرده‌اند و یا در فرآیندی شیبه به آن قرار داده‌اند.

تجارت نفت اکنون به سوی تنوع و پیچیدگی حرکت می‌کند. این معاملات، علاوه بر جاری از کشورهای عضو OECD بخش گاز خود را آزاد کرده‌اند و یا در فرآیندی شیبه به آن قرار داده‌اند.

در حال حاضر کشورهای غیر OECD نیز در موازنه انرژی جهان اهمیت یافته‌اند. در سال ۱۹۷۳ کشورهای عضو OECD حدود ۶۶ درصد از کل عرضه انرژی تجاری جهان و ۷۰ درصد از عرضه نفت خام جهان را مصرف می‌کردند ولی این سهم اکنون به ۵۵ و ۵۶ درصد کاهش یافته است و تا سال ۲۰۱۰ این رقم به کمتر از ۵۰ درصد نیز خواهد رسید. مصرف سرانه انرژی در کشورهای در حال توسعه هنوز یک - ششم مصرف سرانه کشورهای OECD است و ۲ میلیارد نفر به اشکال نوین انرژی دسترسی ندارند. ولی مصرف سرانه و تقاضا در کشورهای در حال توسعه به سرعت در حال افزایش است و این روند، طی دهه‌های آینده ادامه نیز خواهد یافت. بنابراین دو - سوم افزایش تقاضای جهانی انرژی را تا سال ۲۰۲۰ کشورهای غیر OECD به خود اختصاص خواهند داد.^۱

آلودگی‌های ناشی از نشت نفت، حوادث هسته‌ای، آلودگی هوای شهرها و بارانهای اسیدی سبب شده است تا مشکلات زیست‌محیطی، رنگ سیاسی به خود گرفته و در صدر دستور جلسات انرژی قرار بگیرد. تهدیدی که در مذاکرات سیاسی به آن اشاره می‌شود در ارتباط با تغییرات اقلیم ناشی از فعالیت‌های بشری است. علی‌رغم اینکه طی چند دهه گذشته، وضعیت تغییر کرده، ولی هنوز برخی ملاحظات باقی مانده است که به سه نکته آن اشاره می‌کنیم:

نکته اول اینکه اهمیت استراتژیک انرژی کاهش نیافته و هنوز هم جوامع انسانی به انرژی وابسته هستند. هرچند متوسط شدت انرژی، کمتر از گذشته است و بهبود مستمری در آن وجود دارد. به عمر ۱۰۰ هنوز بین رشد اقتصادی و مصرف انرژی، ارتباط مستقیمی وجود دارد. جنوب شرقی، رونق گرفته است. این سهم افزایش ... احتمالاً اقتصاد آسیای جنوبی و جنوب شرقی، رونق خواهد شد. این سهم افزایش ...
منطقه به نفت بیشتر خواهد شد. این سهم افزایش ...
وارد می‌نمایند و تا سال ۲۰۱۰ این سهم افزایش ...

نکته دوم اینکه منابع نفتی، هنوز در کشورهای اوپک و به خصوص در منطقه خاورمیانه، متمرکز هستند. شش کشور خاورمیانه‌ای عضو اوپک، کنترل دو-سوم ذخایر اثبات شده جهان را در اختیار دارند. هم اکنون این تولیدکنندگان، تنها ۲۷ درصد عرضه جهانی نفت را به خود اختصاص داده‌اند ولی برآوردها نشان می‌دهد که این رقم تا سال ۲۰۲۰ به ۶۳ درصد نیز افزایش خواهد یافت.^۱

نکته سوم اینکه ممکن است منطقه‌ای که عرضه کنندگان اصلی در آن واقع شده‌اند، دستخوش ناآرامی شوند و در نتیجه، امنیت عرضه را با مخاطره مواجه سازند. اختلال در عرضه می‌تواند هم از حوادث ژئوپلیتیکی و هم از عملکرد گروهی عرضه کنندگان ناشی گردد.

۸. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در آستانه قرن بیست و یکم، رقابت در صنعت نفت، بیش‌تر شده است. طی دو دهه پایانی قرن بیستم، رقابت در این صنعت افزایش یافته بود، اما در سال‌های آینده به طور فزاینده‌ای، رقابتی‌تر خواهد شد. هم اکنون بازارهای انرژی بسیار گسترده‌اند و برای هر بازیگری، به صورت بالقوه این امکان وجود دارد که در هربخش از این زنجیره رقابتی فعالیت نماید. در این حال، مقررات‌زدایی و حذف کنترل‌ها در سطح جهان بر ارتقاء فضای رقابتی تمرکز یافته و برای حفظ انگیزه رقابتی در تمامی بازارها تلاش می‌شود.

در ارتباط با آینده نفت و جامعه جهانی، سناریوها و ریسک‌های مختلفی را می‌توان تشخیص داد، اما آنچه مسلم است این است که یکی از درس‌های تاریخ نفت، منتظر وقایع غیر مترقبه بودن است و فقط هنگامی کاملاً آشکار می‌شود که واقعه روی داده باشد. خشونت، جنگ، سوانح، تحولات فن‌آوری، انفجارهای سیاسی، الزامات اقتصادی، رویارویی‌های قومی، مذهبی، ایدئولوژیکی و اجتماعی، همه اینها می‌توانند دست‌اندرکاران را غافلگیر کند و بر دسترسی به نفت اثرگذارند.

کشورهای عضو اوپک با دراختیار داشتن قسمت اعظم ذخایر قابل بازیافت و متعارف نفت خام جهان و قسمت قابل توجهی از ذخایر گازی طبیعی جهان، نقش انکارناپذیری در صحنه انرژی بین‌المللی برعهده دارند.

با توجه به درهم تنیده شدن ارتباطات جهانی و وابستگی بیش از پیش کشورها و اقتصادهای جهانی به یکدیگر، فرصت‌ها و تهدیدهایی پیش‌روی کشورهای تولیدکننده و صادرکننده نفت، به ویژه اوپک قرار دارد.

این کشورها بایستی از تمامی فرصت‌ها بدون تردید و بدون تأخیر استفاده کنند و با همکاری یکدیگر، تهدیدها را دفع نموده و حتی به فرصتی مناسب تبدیل کنند.

در وضعیتی که اکثر کشورهای عضو اوپک به عضویت سازمان تجارت جهانی درآمده‌اند و یا درحال اقدام برای عضویت هستند باید از تجربیات گذشته استفاده نمایند و با ایجاد ائتلافات و تشکیل گروه‌هایی در درون این سازمان، قدرت چانه‌زنی، تأثیر و وزن خود را افزایش دهند. به عنوان مثال مانند گروه ۷۷، (که کشورهای درحال توسعه جنوب، این گروه را در دل سازمان ملل شکل دادند و نقش غیرقابل انکاری در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌های سازمان ملل دارند) کشورهای تولیدکننده و صادرکننده نفت و درکل، کشورهای در حال توسعه نیز می‌توانند براساس اصل هر کشور یک رأی با یکدیگر در قالب WTO ائتلاف نمایند و قدرت چانه‌زنی خود را افزایش دهند. در نتیجه، خواهند توانست مثلاً قوانین تبعیض‌آمیز را علیه انرژی تغییر دهند و بازارهای کشورهای پیشرفته را بر روی نفت و فرآورده‌های نفتی خود بدون اخذ مالیات باز نمایند (البته با لحاظ نمودن استانداردهای بسیار سخت زیست محیطی این کشورها در خصوص فرآورده‌های نفتی مصرفی).

کشورهای عضو اوپک بایستی در کنار سایر کشورهای درحال توسعه در روند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌های مهم در ارتباط با مسائل و مشکلات جهانی زیست‌محیطی، حضوری فعال و راهبردی داشته باشند تا در قالب نشست‌های زیست‌محیطی، منافع جمعی خود را لحاظ نمایند.

در کل، کشورهای عضو اوپک بایستی مسئله ارتباط با سایر تولیدکنندگان نفت دنیا و نیز ارتباط مستمر و مثبت با مصرف کنندگان عمده جهان را مدنظر قرار دهند و آن را به عنوان یک راهبرد و برنامه بلندمدت، همیشه دنبال نمایند؛ زیرا به تجربه ثابت شده است که تفاهم و گفت‌وگو سازنده، بیشتر از تقابل و مجادله، منافع طرفین را لحاظ خواهد نمود.

کشورهای عضو اوپک بایستی بدون تأخیر و بدون تنگ‌نظری، مسئله جذب و توسعه فن‌آوری را مدنظر قرار دهند و عقب ماندن از قافله فن‌آوری را به عنوان مهم‌ترین چالش فراروی خود بنگرند. این کشورها باید بدانند که عصر حجر به خاطر تمام شدن سنگ خاتمه نیافت بلکه ظهور ابزارهای برنزی که به نحو مطلوب‌تری خواسته‌های مردم را تأمین می‌کردند و پیروزی این ابزار در رقابت با ابزار سنگی، به این دوره پایان داد.

انقلاب در ارتباطات باعث متحول شدن تجارت شده است و صنعت نفت نیز از این امر مستثنی نیست. تجارت الکترونیک، راههای نوینی را پیش‌پای بشر نهاده است. اعضای اوپک بایستی با دیدی راهبردی و بلندمدت، بازار جهانی انرژی و تحولات آن را تحلیل و بررسی کنند و منافع بلندمدت خود را در کنار منافع کوتاه‌مدت لحاظ نمایند. آنان باید از روزمرگی و مدیریت بحران در حد امکان احتراز نمایند.

مهمترین سرمایه در عصر انفجار اطلاعات، سرمایه فکری است. مطالعات در مورد منشاء رشد اقتصادی نشان می‌دهد که سرمایه انسانی هرچه سریع‌تر انباشته شود و به گونه‌ای کارآمد در بخش‌های اصلی اقتصاد به کار گرفته شود، عملکرد رشد اقتصادی کشورها در مجموع بهتر خواهد بود. یکی از چالش‌های بزرگ پیش روی کشورهای عضو اوپک، مسئله نیروی انسانی متخصص و باتجربه است. متأسفانه این کشورها به دلیل ماهیت جهان‌سومی خویش تاکنون نتوانسته‌اند نیروی انسانی مورد نیاز خود را آموزش دهند و حتی در موارد نادری که چنین امکانی فراهم شده است، نیروهای آموزش دیده خود را پس از کسب تجربه به دلیل ساختار ناتوان و نارسای اداری، تقدیم کشورهای توسعه یافته صنعتی نموده و خود از فقدان و یا کمبود نیروی انسانی متخصص به شدت رنج برده‌اند. یکی از مهم‌ترین برنامه‌های سازمان کشورهای صادرکننده نفت، بایستی آموزش و جذب نیروی

قابل توجه محققین، استادان و نویسندگان محترم

نشریه «مجلس و پژوهش» آماده دریافت مطالب و مقالات علمی شما می‌باشد.

لطفاً در ارسال مقالات نکات ذیل را رعایت فرمایید:

۱. ساختار مقاله از روش علمی شناخته شده‌ای پیروی نموده و دارای چکیده، مقدمه، متن ساختارمند، نتیجه‌گیری و منابع و مأخذ باشد.
۲. مقاله ارائه شده در جای دیگر چاپ یا ارائه نشده باشد و یا زیرچاپ نباشد.
۳. روش تحقیق شامل موضوع تحقیق، اهداف تحقیق، فرضیه‌ها یا سؤالات تحقیق و ادبیات موضوع به صورت مختصر ولی روشن در بخش مقدماتی ارائه شده باشد.
۴. چکیده‌ای بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ کلمه به زبان فارسی و انگلیسی تهیه گردد.
۵. در مقابل اطلاعات، آمار و ارقام و هرگونه ادعایی، مرجع و محل اقتباس به صورت دقیق ذکر گردد. این بند شامل جداول و نمودارها نیز می‌گردد.
۶. مجله، خود را در حکم و اصلاح و ویرایش مقالات وارده، تا جایی که به اصل نظرات نویسنده خدشه وارد نشود، مجاز می‌داند.
۷. چاپ مقالات و تقدم و تأخر در آن، مشروط به بررسی و تأیید هیأت تحریریه مجله است.
۸. ارسال دو نسخه از مقاله به صورت تایپ شده (در مورد مقالاتی که از متون خارجی ترجمه می‌شوند ارسال متن اصلی) ضروری است.
۹. خلاصه‌ای از سوابق علمی و پژوهشی مؤلف یا مترجم شامل (نام و نام خانوادگی - میزان تحصیلات - رشته تحصیلی - درجه علمی - آخرین سمت و محل کار و آدرس) به همراه مقاله ضمیمه شود.
۱۰. شیره ارجاع:
 - در طول مقاله، بلافاصله پس از ذکر مطلب اخذ شده از یک اثر در پرانتز نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار و شماره صفحه ذکر گردد: (نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار، شماره صفحه). در صورتی که برداشتی کلی از یک اثر ارائه شده باشد، ذکر صفحه ضروری نمی‌باشد.
 - در پایان مقاله فهرست منابع استفاده شده به ترتیب الفبایی و با توجه به حرف اول نام خانوادگی نویسندگان آن‌ها به روش‌های مرسوم ارائه گردد. مجله در تغییر مواردی که مطابق اسلوب پذیرفته شده نباشد آزاد است.
۱۱. مقاله روی یک طرف کاغذ A4 تایپ شده و حتی المقدور بیش از ۳۰ صفحه نباشد. دیسکت حاوی مقاله تایپ شده نیز پیوست شود.
۱۲. مسئولیت مطالب مقاله بر عهده نویسنده است و نظر نویسنده ضرورتاً بیانگر دیدگاه مرکز پژوهش‌ها نمی‌باشد.

انسانی متخصص و نخبه باشد؛ زیرا در دنیای جهانی شده امروز، سرمایه انسانی بالاترین و با ارزش ترین سرمایه مورد نیاز بازیگران عرصه بین المللی است. در عصر اطلاعات، مزیت نسبی و رقابت آمیز، متکی بر قوانین سیرنیتیک است نه قوانین فیزیک و تحت قوانین سیرنیتیک، سرعت مبنای همه چیز است. باز بودن، انعطاف پذیری و سرعت دریافت و اقدام، جزء اصول موفقیت در وضعیت جدید است. فقط آن دسته از سیستم ها و طراحان استراتژی که قادرند اطلاعات مناسب را از سیل و جریان عظیم اطلاعات جدا کنند و به سرعت در مورد آن اقدام کنند، قادرند راهبردهای کارآمد را طراحی کنند.

منابع:

۱. اوپک و جهانی شدن اقتصاد، بهروزی فر مرتضی، پایان نامه کارشناسی ارشد اقتصاد انرژی، پژوهشکده مطالعات بین المللی انرژی، سال ۱۳۸۰.
۲. بولتن تحولات بازار نفت، موسسه مطالعات بین المللی انرژی، شماره های مختلف.
۳. ترجمان اقتصادی، شماره های مختلف.
۴. اقتصاد انرژی، شماره های مختلف.
۵. اقتصاد ایران، شماره های مختلف.
6. OPEC Annual Statistical Bulletin, 2001.
7. IEA, World Energy Outlook 2001.

برگ اشتراک:

خوانندگان محترمی که مایل به داشتن اشتراک هستند می‌توانند حق اشتراک خود را به شرح زیر به شماره حساب ۹۰۰۸۱، بانک ملی شعبه بهارستان واریز و اصل سند بانکی را به همراه برگ تکمیل شده اشتراک به نشانی دفتر نشریه ارسال فرمایند.

بهای اشتراک: ۶ شماره ۳۰,۰۰۰ ریال + هزینه پستی هر شماره ۳۰۰ ریال.
ضمناً برای مشترکین قبلی تا اتمام حق اشتراک آن‌ها نشریه به نرخ سابق ارسال خواهد شد.

نشانی: تهران، خیابان وصال شیرازی، تقاطع خیابان ایتالیا، شماره ۹۶، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مجله مجلس و پژوهش.

برگ درخواست اشتراک

به پیوست حواله بانکی به مبلغ ریال ارسال می‌شود، خواهشمند است به تعداد ۶ یا ۱۲ شماره مجلس و پژوهش را به نام به نشانی زیر ارسال فرمایید:

نام و نام خانوادگی:

شغل:

تحصیلات:

نشانی:

کدپستی:

تلفن: دورنگار:

E - mail

Majlis & Pajouhesh

The Journal of Majlis Research Centre

Vol. 9, No. 34, Summer 2002

Managing Director: Seyed Mohammad Reza Khatami (Ph.D), President MRC

Editor-in-Chief: Hassan Taei (Ph.D)

Managing Editor: Maryam Mahabadi

Editorial Board

Members (Alphabetically Ordered)

Azimi, H. (Ph.D)

Derakhshan, M. (Ph.D)

Farazmand, H. (Ph.D)

Ghasemi, M. (Ph.D)

Hashemi, S.M. (Ph.D)

Jalali, R.

Khalatbari, F. (Ph.D)

Mehrara, M. (Ph.D)

Momeni, F. (Ph.D)

Nasari, A.R.(Ph.D)

Nasiri, M. (Ph.D)

Pour Seyed, B. (Ph.D)

Renani, M. (Ph.D)

Sinaie, V. (Ph.D)

Taei, H. (Ph.D)

Zonooz, B.H. (Ph.D)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Majlis & Pajouhesh

The Journal of Majlis Research Centre

Vol. 9, No. 34, Summer 2002

Special Issue :

Oil and the National Interest

- The views expressed in Majlis & Pajouhesh are those of the authors and not necessarily those of the Editors or MRC.
- All or parts of the articles in this Journal may be freely quoted or reprinted, but acknowledgement is requested.

Majlis Research Centre, No. 96, Vesal Ave., Tehran, Iran.

Tel: + 98-21-8969493

Fax: + 98-21-8979049

edchief@majlis.ir

<http://jmrc.majlis.ir>